بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم از استان‌های مازندران، گیلان، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد - 25 /اردیبهشت/ 1392

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحیم
خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران و خواهران عزیز ؛ مردم مؤمن، جوانان پر شور، علمای اعلام، بالخصوص به خانواده‌های معظّم شهیدان که از راههای دور تشریف آوردید و امروز به جمع ما، به حسینیه‌ی ما نورانیت و صفا بخشیدید. از خداوند متعال مسئلت میکنیم که فضل و رحمت و لطف و عنایت ویژه‌ی خود را که در این ماه شریف شامل حال بندگان و مؤمنان و مخلصان میفرماید، شامل حال همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، و همه‌ی مردم آن استانهائی که زحمت کشیدید از آن استانها تشریف آوردید، و همه‌ی ملت ایران بفرماید.
اولاً لازم میدانم برادران و خواهران عزیز را، مخصوصاً جوانها را توجه بدهم به اهمیت ماه رجب. از این مناسبتها و از این خصوصیاتِ مربوط به ایام و شهور نمیشود به‌آسانی صرفنظر کرد. بزرگان و اهل معنا و اهل سلوك، ماه رجب را مقدمه‌ی ماه رمضان دانسته‌اند. ماه رجب، ماه شعبان، یك آمادگاهی است برای اینکه انسان در ماه مبارك رمضان - که ماه ضیافت الهی است - بتواند با آمادگی وارد شود. آمادگی به چیست؟ در درجه‌ی اول، آمادگی به توجه و حضور قلب است ؛ خود را در محضر علم الهی دانستن، در محضر خدا دانستن - «سبحان من احصی کلّ شیء علمه» (1) - همه‌ی حالات خود را، حرکات خود را، نیّات خود را، خطورات قلبی خود را در معرض و محضر علم الهی دانستن ؛ در درجه‌ی اول، این مهم است ؛ و اگر این حاصل شد، آن وقت توجه ما به کارهایمان، به حرفهایمان، به رفت‌وآمدهایمان، به سکوتمان، به گفتنمان، بیشتر خواهد شد ؛ توجه میکنیم که چه میگوئیم، کجا میرویم، چه اقدامی میکنیم، علیه چه‌کسی حرف میزنیم، به نفع چه‌کسی حرف میزنیم. وقتی انسان خود را در محضر الهی دانست، بیشتر متوجه کارها و حرکات و رفتار خود میشود. عمده‌ی اشکالات ما به خاطر غفلتی است که از رفتار و اعمالِ خودمان میکنیم. وقتی انسان از حال غفلت خارج شود، توجه کند که دارد دیده میشود، محاسبه میشود - «انّا کنّا نستنسخ ما کنتم تعملون» (2) - همه‌ی حرکات او، کارهای او در محضر پروردگار است، طبعاً مراعات میکند. با این حالت، با یك طهارتی، با یك نزاهت و پاکیزگی‌ای، انسان وارد ماه رمضان شود - «شستشوئی کن و آنگه به خرابات خرام» ؛ شستشوکرده وارد ماه رمضان شود - آن وقت در محضر ضیافت الهی حداکثر بهره را خواهد برد. ماه رجب را با این چشم نگاه کنید.
در دعاهای ماه رجب که از ائمه (علیهم‌السّلام) مأثور است، انسان وقتی نگاه میکند، می‌بیند بیشتر این دعاها ناظر به جهات توحیدی است ؛ پرداختن به عظمت الهی، به صفات الهی، خود را در مقابل این عظمت مشاهده کردن، راه روشن را به سوی پروردگار شناختن، دانستن و به آن میل و رغبت پیدا کردن. یکی از خصوصیات دعاهای ماه رجب این است: توجه دادن به توحید، توجه دادن به خدا، به اسماء و صفات الهی. این ماه را باید قدر دانست. اول این ماه، متبرك است به ولادت امام باقر (علیه‌السّلام) ؛ آخر این ماه، متبرك است به بزرگترین حادثه‌ی تاریخ ؛ یعنی بعثت پیغمبر. در نیمه‌ی این ماه، جوانان ما سالهائی است که این سنت حسنه را در کشور رائج کرده‌اند ؛ سنت اعتکاف را، رفتن در مساجد را، روزه گرفتن را. واقعاً چقدر منظره‌ی زیبا و معطّری است که جمع کثیری از جوانهای ما برخلاف سیره‌ی متعارف جوانهای دنیا که غرق در شهوات و تمایلات نفسانی هستند، روزها و شبهائی را روزه بگیرند ؛ بروند در یك مسجدی بنشینند، اعتکاف کنند ؛ شب و روزشان را ذکر و فکر و شنیدن معارف الهی و شنیدن احکام و مذاکره‌ی علم حقیقی - که علم توحید است - قرار دهند ؛ این خیلی چیز مهمی است. اینها از برکت انقلاب است. قبل از انقلاب، ما در این ایام نیمه‌ی ماه رجب ندیده بودیم یا خیلی بندرت میدیدیم که کسانی بروند اعتکاف کنند. غالباً همه‌ی ماها، همه‌ی مردم غافل بودیم از این روزنه‌ی رحمت الهی. بنده در مشهد که اصلاً ندیده بودم ؛ در قم هم یك تعداد معدودی، یك چند نفر طلبه در مسجد امام میرفتند و ایام نیمه‌ی ماه رجب اعتکاف میکردند. امروز شما نگاه کنید ؛ نه فقط مساجد جامع، نه فقط مساجد بزرگ، نه فقط در یك شهر و دو شهر، بلکه در همه‌ی کشور، در

همه‌ی شهرها، در همه‌ی مساجد، جوانهای ما، مردان ما، زنان ما، دختران ما، پسران ما میروند صف میکشند، اسم مینویسند، برای اینکه به آنها فرصت داده شود که در این مسجد، در آن مسجد، سه روز روزه بگیرند و اعتکاف کنند ؛ این خیلی برای یك ملت حائز ارزش است، این خیلی مهم است. اینها هست. این ماه رجب است ؛ از این فرصتها استفاده کنید. جوانها ! شما بیشتر استفاده کنید. دلهای پاك شما، جانهای باصفا و نورانی شما آماده‌ی تلألؤات و تشعشعات رحمت الهی و توجهات الهی است ؛ این را قدر بدانید.

آنچه یك ملت از این طریق و از طرق معنوی به دست می‌آورد، یك پشتوانه‌ای میشود، ذخیره‌ای میشود برای اینکه بتواند در همه‌ی میدانهای زندگی، با اراده‌ی راسخ و با عزم مقاوم در مقابل مشکلات پیش برود ؛ بن‌بستها را باز کند، کارهای بزرگ انجام دهد. پشتوانه‌ی همه‌ی اینها، این معنویت است. کسی مثل امام بزرگوار ما که یکتنه وارد شد و توانست به برکت عزم و اراده‌ی راسخ و ایمان و توکل، همه‌ی ملت را بسیج کند و این حرکت عظیم را راه بیندازد، بیش از هر چیز متکی بود به همان جوشش قلبی، معنوی، روحی، توکل، معرفت، عبادت. تا آخر عمر هم این بزرگوار با وجود پیری و ناتوانی و شکستگی، نیمه‌ی شب برمیخاست، اشك میریخت. ما خبر داشتیم از نزدیکان ایشان که به همه‌ی خصوصیات زندگی ایشان واقف بودند، شنیده بودیم، اطلاع داشتیم ؛ ایشان نیمه‌های شب برمیخاست، از خدای متعال استمداد میکرد - «رهبان اللّیل» (3) - شب با آن حالت، آن وقت روز مثل شیر غرّانی می‌آمد توی میدانها، قدرتها را شکست میداد، ضعفهای ملت را برطرف میکرد، اراده‌های همه‌ی ما مردم را تقویت میکرد و راه می‌انداخت ؛ به برکت آن پشتوانه‌ی معنوی.

یك‌یك شما مردم عزیزمان - بخصوص جوانها، بخصوص جوانها - میتوانید به همان منبع و معدن عظیم قدرت، با توکل، با ارادت، متصل شوید و استفاده کنید و استفاضه کنید و نورانی شوید و نقش ایفا کنید. در اسلام، آن رهبانیتی که فرمودند «رهبان اللّیل»، فرق میکند با رهبانیتی که نصاری درست کردند ؛ «و رهبانیّة ابتدعوها ما کتبناها علیهم». (4) رهبانیت نصاری و ادیان دیگر به معنای انزوا بود، گوشه‌نشینی بود، انقطاع از دنیا بود ؛ رهبانیت اسلام به معنای حضور در همه‌ی صحنه‌های زندگی بود - «سیاحة امّتی الجهاد فی سبیل اللّه» (5) - همه‌ی حرکات و سکنات، در جهت خدا: صلحشان، آشتی‌شان، حرکتشان، سکوتشان، سکونشان، اقدامشان، همه و همه در راه خدا. آن وقت «من کان للّه کان اللّه له»، «ان تنصروا اللّه ینصرکم»، (6) «لینصرنّ اللّه من ینصره» ؛ (7) وقتی در راه خدا حرکت کردید، لطف الهی، مدد الهی، پشتیبانی الهی هم با شما خواهد بود. عزیزان من! این راز پیشرفت ملت ایران است. اینکه شما مشاهده میکنید یك ملت با این همه دشمنی، با این همه خباثت و رذالتی که در مقابل این ملت، دشمنان در سطوح مختلف، در عرصه‌های مختلف، از همه طرف اعمال کردند، اما نتوانستند این ملت را متوقف کنند و ملت ایران با عزم خود، با پیشرفت خود، با حرکت مستمر و جهادگونه‌ی خود، همه‌ی آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد، به خاطر همین خصوصیات است، به خاطر همین پشتوانه‌ی الهی است ؛ و این ادامه خواهد داشت. به توفیق الهی، ملت ایران همین راه را ادامه میدهد.

کسانی امیدوار بودند جوانهای ما را از دین جدا کنند ؛ طمع داشتند جوانهای ما را سرگرم شهوات زندگی، مادیگری و امثال اینها کنند ؛ اشتباه کردند. امروز عرصه‌ی جوانی ما، طبقه‌ی جوانان ما، از لحاظ کمیت و کیفیت، نسبتشان از مسن‌ترها اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. جوانهای مؤمن امروز ما و کسانی که دل در گرو انقلاب دارند، که نه امام را دیدند، نه انقلاب را درك کردند، نه دوران دفاع مقدس را دیدند، انگیزه‌شان، همتشان از جوانهای دوره‌ی دفاع مقدس بیشتر نباشد، کمتر نیست ؛ این را بنده از روی علم و اطلاع عرض میکنم ؛ تحلیل نیست، حدس نیست. کارهای بزرگی که امروز جوانهای ما در عرصه‌ی ملی و در بخشهای گوناگون دارند انجام میدهند، گاهی زحمتش، فشارش، حتّی خطرش، بیشتر از آن کاری است که در دوران دفاع مقدس انجام میدادند، یا باید انجام میدادند. این روحیه را باید حفظ کرد.

آنچه که امروز در درجه‌ی اول کارهای سیاسی کشور قرار دارد، مسئله‌ی انتخابات است. انتخابات یك حادثه‌ی یکروزه است، ظرف یك روز انجام میگیرد ؛ اما از آن حوادثی است که تأثیر آن، تأثیر بلندمدت است. انتخابات ریاست جمهوری را شما در ظرف یك روز انجام میدهید، اما اولاً کسی را یا کسانی را برای مدت چهار سال بر سرنوشت کشور

و جریانهای عمده‌ی کشور حاکم میکنید ؛ ثانیاً دامنه‌ی تأثیر آن به همان چهار سال هم محدود نمیماند. گاهی اوقات دولتها کارهائی میکنند که تأثیرات آن تا سالها باقی میماند ؛ چه کارهای خوب، چه خدای نکرده کارهای غیر خوب ؛ تأثیر آن منحصر نمیماند به آن چهار سال ؛ مثل یك جریانی ادامه پیدا میکند. پس شما در یك روز یك حرکتی میکنید، یك انتخابی میکنید، یك اقدامی میکنید که تأثیر آن در کوتاه‌مدت، در چهار سال، و در بلندمدت، گاهی در چهل سال باقی میماند ؛ اینقدر انتخابات مهم است.

انتخاباتِ امسال اهمیت مضاعف دارد. من به شما عرض کنم برادران عزیز! خواهران عزیز! همه‌ی ملت ایران! امروز انتخابات شما - که حدود یك ماه دیگر انجام خواهد گرفت - به یك موضوع مهم بین‌المللی تبدیل شده است ؛ این را بدانید. دستگاههای فکری دشمنان - به قول خودشان، اتاقهای فکر - نشسته‌اند رصد میکنند مقدمات این انتخابات را، این حادثه‌ی بزرگ را ؛ دارند نگاه میکنند ؛ نقشه هم دارند، هدف هم دارند. هدف جبهه‌ی دشمنان شما، نقطه‌ی مقابل هدف شما است. شما که در انتخابات شرکت میکنید، دنبال یك فرد اصلحی میگردید که بتواند کشورتان را با همین سرعت، بلکه بیش از این، پیش ببرد ؛ هم در عرصه‌ی مادی، هم در عرصه‌ی معنوی. شما دنبال انتخاباتید، برای اینکه کسی یا کسانی، دولتی، رئیس جمهوری بتواند عزت شما را بالا ببرد، استقلال شما را عمیق‌تر کند، وضع زندگی شما را بهتر و مرفه‌تر کند، گره‌ها را باز کند، امید و شور و شوقی در کشور به‌وجود آورد ؛ اما دشمن شما درست بعکس، مایل است انتخاباتی انجام بگیرد - حالا که بنا است انجام بگیرد ؛ البته اگر میتوانستند کاری کنند که انتخابات انجام نگیرد، آن کار را میکردند ؛ اما حالا که بالاخره چاره‌ای ندارند و انتخابات انجام خواهد گرفت - که برای آینده‌ی کشور این محسّنات را نداشته باشد ؛ بلکه کشور را به سمت وابستگی، به سمت ضعف، به سمت عقب‌ماندگی در صحنه‌های گوناگون حرکت دهد ؛ کشور را به عقب بکشاند، به عقب براند ؛ آنها هدفشان این است. پس دو تا هدف در مقابل هم قرار دارد: هدف ملت ایران، هدف جبهه‌ی دشمنان.

هدف ملت ایران چگونه تأمین خواهد شد؟ با دو عامل، این هدف تأمین میشود: یك عامل این است که انتخابات، انتخابات گرم و پرشوری باشد ؛ افراد زیاد شرکت کنند، مردم با شور و شوق شرکت کنند، بیایند پای صندوقها. دوم اینکه این انتخابات منتهی شود به انتخاب یك انسان شایسته‌ی وارسته‌ی باعزمِ مؤمن انقلابیِ با همت جهادی. با این دو چیز، مقصود ملت ایران حاصل میشود.

مقصود دشمن چگونه حاصل میشود؟ مقصود دشمن با این حاصل میشود که انتخابات اولاً سرد برگزار شود ؛ مردم بی‌رغبت باشند، عده‌ی کمی شرکت کنند، یك عده‌ای بگویند: آقا چرا شرکت کنیم؟ فایده‌اش چیست؟ ما نمیخواهیم بیائیم. اینها دشمن را خوشحال میکند. ثانیاً نتیجه‌ای که از صندوقها بیرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که دولت را، به تبع دولت، ملت را به سمت وابستگی بیشتر، به سمت تبعیت بیشتر، به سمت قرار گرفتن در سیاستهای دشمنان قرار دهد ؛ دشمن این را میخواهد.

پس ببینید، صحنه روشن است ؛ معلوم است شما چه میخواهید، معلوم است دشمن چه میخواهد. حالا آن مطلب دوم که چگونه اصلح را پیدا کنیم و مشخصات یك انسانی که اصلح از دیگران است، چیست، نکاتی در این زمینه وجود دارد که ان‌شاءالله اگر بنده عمری داشتم، در آینده تا قبل از روز انتخابات عرض خواهم کرد.

آنچه که امروز میخواهم عرض کنم، این است که آن نکته‌ی اول - یعنی شور و هیجان انتخابات، حرکت عمومی به سمت انتخابات - اولین کار بزرگی است که ملت میتواند انجام دهد ؛ دشمن میخواهد این اتفاق نیفتد. برای اینکه مردم را از شور و حال و حرکت و هیجان بیندازند، چه کار میکنند؟ سعی میکنند مردم را از حضور در انتخابات ناامید کنند: آقا چه فایده دارد؟ حالا برویم رأی بدهیم که چه بشود؟ میخواهند این حالت را به مردم القاء کنند. برای همین است که شما اگر امروز به رادیوهای بیگانه و خبرگزاری‌های صهیونیستی مراجعه کنید - که امروز همه‌ی خبرهای دنیا را در واقع یك شبکه‌ی بزرگ صهیونیستی جهت میدهد، به قول خودشان کانالیزه میکند ؛ خبرهای باب میل خودشان را منتشر میکنند - می‌بینید سعیشان این است که وضع کشور را بحرانی نشان دهند. خب، مشکلات در کشور هست ؛ در کدام کشور نیست؟ گرانی هست، مشکل بیکاری هست ؛ کجای دنیا امروز نیست؟ امروز خود آن کشورهای اروپائی که صحنه‌گردان تبلیغات علیه جمهوری اسلامی‌اند، تا خرخره در مشکلات فرو رفته‌اند. هر چند روز

یك بار، در یکی از این کشورها یا در چند کشور، مردم می‌آیند در عرصه، از روی ناچاری و ناگزیری داد میکشند و مورد تهاجم نیروهای امنیتی‌شان قرار میگیرند. البته اینها را تا بتوانند، پنهان میکنند.

ما هم مشکلاتی داریم. ما مشکلات را باید مقایسه کنیم با نقاط مثبتی که الان در ما هست. کدام کشور مثل کشور ما ملتی منسجم و متحد دارد؟ اقوام کشور، مذاهب کشور، شهرهای کشور، مناطق گوناگون کشور، همه در یك جهت، در یك هدف، با یك عواطف، با یك احساسات، با یك امید دارند حرکت میکنند، زندگی میکنند. کدام کشور این همه جوان سرحال و بانشاط دارد؟ جوانهای ما امروز میدانهای عظیم علمی را دارند فتح میکنند ؛ در مسابقات گوناگون جهانی، رتبه‌های بالای جدول را دارند به دست می‌آورند ؛ این چیز کمی است؟ کدام ملت مثل ملت ما با وجود این همه دشمنی‌ها توانسته است این عظمت را، این اهمیت را، این تأثیرگذاری را در قضایای دنیا و در قضایای منطقه به دست آورد؟ یك عده دشمنان مایند، یك عده مزدوران دشمنان مایند ؛ هرچه بتوانند، کارشکنی میکنند ؛ اما ملت ایران، سربلند، سرافراز، وسط صحنه، با چهره‌ی بشّاش، با چهره‌ی امیدوار، بدون کینه‌ی به این و آن، دارد راه خودش را میرود. این را شما بدانید ؛ ملتها - البته آگاهانشان، فرزانگانشان، کسانی از آنها که با قضایای گوناگون آشنایند - شماها را با انگشت نشان میدهند ؛ میگویند ببینید ملت ایران در چه عرصه‌هائی پیشرفت کرده و ما مانده‌ایم. حرکت ملت ایران اینجوری است.

دشمنان در تبلیغاتشان سعی میکنند سایه‌ی یأس و ناامیدی و بحران را بیندازند بر روی حوادث کشور، مشکلات کوچك را چند برابر بزرگ کنند ؛ مشکلاتی که وجود ندارد، بیخود ملت را، کشور را متهم به آن کنند ؛ آینده را تاریك نشان دهند، ملت را ناامید کنند ؛ هدف دشمن این است. این ناامیدی از نظر آنها مقدمه‌ای است برای از رونق انداختن انتخابات. شما باید بعکس عمل کنید. عزیزان! جوانان! مسئولان! مبلّغان! کسانی که عرصه‌ی سخن گفتن با مردم در مقابل شما است! شما باید بعکس عمل کنید ؛ به مردم امید دهید. این امید، امید واهی نیست ؛ امید واقعی است.

مردم باید همه توجه کنند، بدانند که حضور پرشور و پر رونق در انتخابات موجب میشود کشور مصونیت پیدا کند ؛ موجب میشود که طمع دشمن برای دست‌اندازی و تعرض و دشمنی و خباثت نسبت به این کشور کم شود ؛ حضور مردم این تأثیرات را دارد. آنها تلاش دارند که این اتفاق نیفتد. البته من به شما عرض بکنم ؛ آنطوری که ما ملت خودمان را تجربه کرده‌ایم، آنطوری که لطف و فضل الهی را مکرر آزموده‌ایم، این ملت در این نوبت هم مثل نوبتهای قبل، مشت محکمی به دهان دشمن خواهد زد. مردم به توفیق الهی در این انتخابات یك آزمون افتخارآمیز دیگری را به صحنه خواهند آورد و بر افتخارات خودشان خواهند افزود. این، لطف الهی است ؛ ان‌شاءالله تحقق پیدا خواهد کرد.

آنچه که در این فاصله و در این فرصت مهم است، این است که مردم علاوه بر همت بر حضور، همت بر انتخابِ خوب هم داشته باشند. همان طور که عرض کردیم، یك انتخاب خوب، یك انتخاب درست، نه فقط در طول چهار سال، گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش برای کشور باقی میماند. برای انتخابِ خوب باید فکر کرد، باید معیارها را شناخت. من ان‌شاءالله در آینده مطالبی عرض خواهم کرد ؛ اما اجمالاً معیار اصلی این است که کسانی سر کار بیایند که همتشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدفهای انقلاب باشد. آنچه ما در این سالهای طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدفهای انقلاب بوده است ؛ هر جائی که ما کم آوردیم، عقب ماندیم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدفهای انقلاب اسلامی و هدفهای اسلامی بوده است. کسانی سر کار بیایند که مصداق: «انّ الّذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا» (8) باشند ؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند ؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بپوشند و وارد میدان شوند. شعارها را نگاه کنید، ببینید شعارهائی که تعیین میکنند، چه جور شعارهائی است؟ گاهی بعضی‌ها - البته اشتباه میکنند - برای جلب آراء، شعارهائی میدهند که این شعارها از حدود قدرت و اختیاراتشان بیرون است ؛ اینها را مردم هوشمند ما میتوانند بشناسند، مراقبت کنند، دقت کنند. آنچه که برای مردم لازم است، آنچه که فوریت بیشتری دارد، آنچه که با واقعیات و امکانات کشور سازگار است، آنچه که به افزایش قدرت درونی ملت می‌انجامد، آنها را در شعارهایشان بگنجانند ؛ این یکی از معیارها است.

افراد متعددی آمده‌اند. ان‌شاءالله شورای محترم نگهبان طبق وظائف قانونی خود، آن کسانی را که صلاحیت دارند، به مردم معرفی خواهد کرد. همه هم باید تابع قانون باشند. آنجائی اشکال پیش می‌آید که تخلف از قانون انجام میگیرد. سال 88 اشکالاتی که وارد شد، خسارتی که به کشور وارد کردند و نگذاشتند کشور و ملت طعم آراء چهل میلیونی را درست بچشد، به خاطر تخلف از قانون بود. یك عده‌ای یا برای خاطر اغراض نفسانی، یا هدفهای خلاف سیاسی، یا هرچه - حالا در آن زمینه نمیخواهیم قضاوتی بکنیم - از قانون تخلف کردند، خطا کردند، از راه غیر قانونی وارد شدند ؛ هم به خودشان صدمه زدند، هم به ملت صدمه زدند، هم به کشور صدمه زدند. راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند، همه تسلیم قانون باشند. گاهی ممکن است یك قانون، صددرصد درست هم نباشد، اما از بی‌قانونی بهتر است. گاهی ممکن است در یك بخشی، یك خطائی هم از مجری قانون سر بزند که من و شما بفهمیم او در اجرای قانون این خطا را کرده است ؛ اما اگر نتوانیم آن را از طریق قانونی اصلاح کنیم، تحمل آن بهتر است از این‌که باز بی‌قانونی کنیم ؛ از راه بی‌قانونی بخواهیم آنچه را که به نظر ما خطا است، درست کنیم. قانون، معیار بسیار خوبی است ؛ وسیله‌ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه‌ی راه عمومی.

شورای محترم نگهبان، خب مردمانی پرهیزگار، متقی و آگاهند ؛ طبق قانون تشخیصی میدهند و عده‌ای به عنوان افرادی که صالحند، معرفی میشوند ؛ من و شما باید نگاه کنیم ببینیم در بین این صالحها کدام صالح‌ترند، کدام بیشتر به درد مردم میخورند، کدام بیشتر میتوانند این بار سنگین را بر دوش بکشند و با امانتِ کامل این راه را ادامه دهند و پیش ببرند ؛ این را باید من و شما نگاه کنیم، ببینیم، بشناسیم. از افرادی که ممکن است ما را هدایت کنند، راهنمائی کنند، کمك بخواهیم ؛ بالاخره خودمان را به حجت شرعی برسانیم. اگر انسان بر طبق حجت شرعی کار کرد، چنانچه بعداً غلط هم از آب دربیاید، باز سرفراز است، میگوید من تکلیفم را عمل کردم ؛ اما اگر بر طبق حجت شرعی عمل نکنیم، بعد خطا از آب دربیاید، خودمان را ملامت خواهیم کرد ؛ عذری نداریم، حجتی نداریم.

البته من امیدوارم. امید ما به خدای متعال، خیلی زیاد است. خدا را شکر میکنیم که روزنه‌های امید را در دل ما هرگز نبست. انسان وقتی به وضع کشور نگاه میکند، روزبه‌روز به آینده‌ی این راه، به آینده‌ی این ملت، به آینده‌ی این کشور، امیدوارتر میشود. این مردم مؤمن، این مردم با همت، این جوانهای با نشاط و با شور، در عرصه‌های مختلف، اینها همه امید انسان را به آینده بیشتر میکند.

امیدواریم ان‌شاءالله تفضلات الهی شامل حال باشد ؛ دعای حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) شامل حال همه‌ی شما ملت عزیز باشد ؛ و بخصوص در این آزمون مهمی که در پیش دارید، ان‌شاءالله دعای آن بزرگوار، هدایت الهی را برای دلهای همه‌ی ما فراهم کند و آنچه که خیر و صلاح این کشور است، به دست شما مردم انشاءالله رقم بخورد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

1) مصباح المتهجد، ج 1، ص 305
2) جاثیه: 29
3) وسائل‌الشیعه، ج 15، ص 188 ؛ «انّ من اخلاق المؤمنین ... رهبان اللّیل اسد بالنّهار»
4) حدید: 27
5) مستدرك‌الوسائل، ج 11، ص 14
6) محمد: 7
7) حج: 40
8) فصلت: 30